

بيروت، دار احياء التراث العربى؛ العين: خليل (م.۱۷۵ق.)، به كوشش المخزومى و السامرائى، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق؛ فتح العزيز: عبدالكريم بن محمد الرافعى (م.۶۲۳ق.)، دار الفكر؛ الفقه الاسلامى و ادلته: وهبة الزحيلي، دار الفكر، دمشق؛ الكافى فى الفقه: ابوالصلاح الحلبي (م.۴۴۷ق.)، به كوشش استادى، اصفهان، مكتبة امير المؤمنين عليه السلام، ۱۴۰۳ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م.۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ المبسوط فى فقه الاماميه: الطوسى (م.۴۶۰ق.)، به كوشش بهبودى، تهران، المكتبة المرزويه؛ مجمع الفائدة و البرهان: المحقق الاردبيلى (م.۹۹۳ق.)، به كوشش عراقى و ديگران، قم، انتشارات اسلامى، ۱۴۱۶ق؛ المجموع شرح المذهب: النووى (م.۶۷۶ق.)، دار الفكر؛ مدارك الاحكام: سيد محمد بن على الموسوى العاملى (م.۱۰۰۹ق.)، قم، آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۰ق؛ مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام: الشهيد الثانى (م.۹۶۵ق.)، قم، معارف اسلامى، ۱۴۱۶ق؛ مستند الشيعه: احمد النراقى (م.۱۲۴۵ق.)، قم، آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۵ق؛ المعتبر: المحقق الحلى (م.۶۷۶ق.)، مؤسسه سيد الشهداء، ۱۳۶۳ش؛ المعتمد فى شرح المناسك: محاضرات الخوئى (م.۱۴۱۳ق.)، الخلیخالی، قم، مدرسة دار العلم، ۱۴۱۰ق؛ المغنى: عبدالله بن قدامه (م.۶۲۰ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه؛ المقنعه: المفيد (م.۴۱۳ق.)، قم، نشر اسلامى، ۱۴۱۰ق؛ من لا يحضره الفقيه: الصدوق (م.۳۸۱ق.)، به كوشش غفارى، قم، نشر اسلامى، ۱۴۰۴ق؛ مناسك الحج: سيد على سيستانى، قم، شهيد، ۱۴۱۳ق؛ مواهب الجليل: الخطاب الرعيني (م.۹۵۴ق.)، به كوشش زكريا عميرات، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۶ق؛ نيل الاوطار: الشوكانى (م.۲۵۵ق.)، بيروت، دار الجيل، ۱۹۷۳م؛

وسائل الشيعه: الحر العاملى (م.۱۱۰۴ق.)، به كوشش ربانى شيرازى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۳ق.

حسين على پور



## اذاخر: نام مكاني در مکه در شمال مسجدالحرام

اذاخر جمع اذخر<sup>۱</sup>، نام مكاني است ميان مکه و مدينه و نزديك به مکه كه به ثنيه (دره) اذخر<sup>۲</sup>، جبل (كوه) اذخر<sup>۳</sup> و شيعب اذخر<sup>۴</sup> شناخته مى شود. به گزارش سمهودى، در مدينه نيز جايى به اين نام هست.<sup>۵</sup> اين مكان ميان شعب آل اخنس بن شريق و فح قرار دارد و از شمال به ابطح<sup>۷</sup> و از شرق به حجون متصل است.<sup>۸</sup> اذخر بالايى قريه مُعابده و اكنون

۱. الصحاح، ج ۲، ص ۶۶۳ «ذخر»؛ معجم ما استعجم، ج ۱، ص ۱۲۸؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۲۷.
۲. اخبار مکه، ازرقى، ج ۲، ص ۲۸۹؛ تاريخ طبرى، ج ۷، ص ۵۷۴؛ معجم ما استعجم، ج ۱، ص ۱۲۸.
۳. نک: اخبار مکه، ازرقى، ج ۲، ص ۲۰۹؛ تخریج الدلالات السمعيه، ص ۳۷۰؛ ميقات حج، ش ۱۳، ص ۱۵۴، «فرهنگ آثار تاريخى مکه».
۴. البلدان، ص ۱۵۳؛ خزانه الادب، ج ۹، ص ۲۳۸.
۵. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۱۲۳.
۶. اخبار مکه، ازرقى، ج ۲، ص ۲۸۵.
۷. فرهنگ اعلام جنرفيايى، ص ۳۳.
۸. ميقات حج، ش ۱۳، ص ۱۵۰، «فرهنگ آثار تاريخى مکه».

پای نهاد<sup>۷</sup> و خیمه خود را در اذخِر بر پا کرد<sup>۸</sup> و سپاه مسلمانان را از نبرد با قریش بازداشت. به گزارشی، پیامبر ﷺ هنگام عبور از فراز گردنه اذخِر، برق شمشیرها را دید و چون درباره آن‌ها پرسید و فرمان منع نبرد را یادآور شد، به ایشان گفتند که نیروهای فرمانبر خالد بن ولید با قریش درگیر شده‌اند.<sup>۹</sup> در منابع به علت این جای‌گیری در اذخِر اشاره نشده است. شاید مشرف بودن این مکان به مکه، موجب آن بوده است.

اذخِر مکان نبرد محمد بن حسن، نماینده نفس زکیه در مکه، با کارگزار منصور عباسی، سَری بن عبدالله، در سال ۱۴۵ق. بود.<sup>۱۰</sup> در همین جا به سال ۷۸۹ق. درگیری سختی میان شریف علی پسر عجلان با فرزندان شریف رُمیسه از حاکمان مکه که فرمانروایی پسر عجلان را نپذیرفته بودند، رخ داد. در این درگیری، خون‌های بسیار ریخته شد و کبیش، فرمانده شورشیان، به قتل رسید.<sup>۱۱</sup> همچنین در همین جا به سال ۱۱۱۶ق. میان شریف سعد و

در محدوده شهر جای گرفته است.<sup>۱</sup> اذخِر\* نام گیاهی خوشبو است که رویشگاه آن معمولاً بیابان‌های مکه است و کندن آن در حال احرام مباح و جویدنش هنگام ورود به حرم سفارش شده است.<sup>۲</sup> بر خلاف مشهور که آرامگاه آمنه بنت وهب، مادر حضرت رسول ﷺ را در ابواء\* میان مدینه و مکه دانسته‌اند،<sup>۳</sup> بر پایه گزارشی، مدفن وی در مسیر کوهستانی اذخِر مکه است.<sup>۴</sup> برخی در گزارش بیعت عقبه دوم به سال سیزدهم بعثت، از دستگیری دو تن از بیعت‌کنندگان یثربی، سعد بن عباد و منذر بن عمرو، به دست قریش در این مکان قریش یاد کرده‌اند.<sup>۵</sup>

پیامبر ﷺ در مسیر هجرت به مدینه، از اذخِر گذشت.<sup>۶</sup> همچنین ایشان در فتح مکه به سال هشتم ق. پیش از ورود به مکه فرمان داد تا نیروهایش به فرماندهی زبیر بن عوام، خالد بن ولید، و قیس بن سعد بن عباده، از دروازه‌های کداء و لیط، وارد شهر شوند و خود نیز با همراهانش از ناحیه اذخِر به شهر

۱. شذرات الذهب، ج ۱، ص ۳۱۱.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۳۹۸؛ الجمل و العقود، ص ۳۳۳.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۳.

۴. اخبار مکه، فاکهی، ج ۴، ص ۵۴؛ شفاء الغرام، ج ۱، ص ۵۰۴؛ خزانه الادب، ج ۹، ص ۲۳۸.

۵. السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۴۹.

۶. الطبقات، ج ۱، ص ۱۸۰؛ المعالم الاثیره، ص ۲۴.

۷. المغازی، ص ۶۳۲؛ اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۸۸-۲۸۹؛ الاصابه، ج ۲، ص ۱۸۸.

۸. اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۸۸-۲۸۹؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۲۷.

۹. المغازی، ج ۲، ص ۸۲۵؛ الطبقات، ج ۲، ص ۱۳۵-۱۳۶؛ سبیل الهدی، ج ۵، ص ۲۲۹.

۱۰. الکامل، ج ۵، ص ۵۴۲؛ نهایه الارب، ج ۲۵، ص ۳۸؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۱۹۱.

۱۱. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۳۵۲-۳۵۳؛ تاریخ مکه، ص ۳۵۲.

شرف عبدالكررم نبردى سخت در گرفت كه بر پایه گزارشى اغراق آمیز، سبب شد خون از خرمانیه تا ریع اذآخر روی زمین جاری شود.<sup>۱</sup> اکنون در مکه خیابانی به نام ریع اذآخر وجود دارد.

### ◀ منابع

آثار اسلامی مکه و مدینه: رسول جعفریان، قم، مشعر، ۱۳۸۶ش؛ اخبار مکه: الازرقى (م. ۲۴۸ق.)، به كوشش رشدى الصالح، مکه، مكتبة الثقافة، ۱۴۱۵ق؛ اخبار مکه: الفاكهى (م. ۲۷۹ق.)، به كوشش ابن دهيش، بيروت، دار خضر، ۱۴۱۴ق؛ الاصابه: ابن حجر العسقلانى (م. ۸۵۲ق.)، به كوشش على محمد و دیگران، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۵ق؛ انساب الاشراف: البلاذرى (م. ۲۷۹ق.)، به كوشش محمودى، بيروت، اعلمى، ۱۳۹۴ق؛ البلدان: احمد بن يعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۲۲ق؛ تاريخ ابن خلدون: ابن خلدون (م. ۸۰۸ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۳۹۱ق؛ تاريخ طبرى (تاريخ الامم و الملوك): الطبرى (م. ۳۱۰ق.)، به كوشش محمد ابوالفضل، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ تاريخ مکه از آغاز تا پايان دولت شرفای مکه: احمد السباعى (م. ۴۰۴ق.)، ترجمه: جعفریان، تهران، مشعر، ۱۳۸۵ش؛ تاريخ اليعقوبى: احمد بن يعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ تخريج الدلالات السمعيه: على بن محمد الخزاعى (م. ۷۸۹ق.)، به كوشش احسان عباس، بيروت، دار الغرب الاسلامى، ۱۹۸۵م؛ الجمل و العقود فى العبادات: الطوسى

(م. ۴۶۰ق.)، به كوشش واعظزاده، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۷ش؛ خزانه الادب: عبدالقادر البغدادى (م. ۱۰۹۳ق.)، به كوشش طريفى و اليعقوبى، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۹۹۸م؛ سبل الهدى: محمد بن يوسف الصالحى (م. ۹۴۲ق.)، به كوشش عادل احمد و على محمد، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۴ق؛ السيرة النبويه: ابن هشام (م. ۲۱۳/۲۱۸ق.)، به كوشش السقاء و دیگران، بيروت، المكتبة العلميه؛ شذرات الذهب: عبدالحى بن العماد (م. ۱۰۸۹ق.)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۹ق؛ شفاء الغرام: محمد الفأسى (م. ۸۳۲ق.)، به كوشش مصطفى محمد، النهضة الحديثه، مکه، ۱۹۹۹م؛ الصحاح: الجوهرى (م. ۳۹۳ق.)، به كوشش العطار، بيروت، دار العلم للملايين، ۱۴۰۷ق؛ الطبقات الكبرى: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، بيروت، دار صادر؛ فرهنگ اعلام جغرافيايى - تاريخى در حديث و سيره نبوى: محمد محمد حسن شراب، ترجمه: شيخى، به كوشش نعمتى، تهران، مشعر، ۱۳۸۶ش؛ الكافى: الكلينى (م. ۳۲۹ق.)، به كوشش غفارى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۷۵ش؛ الكامل فى التاريخ: ابن اثير على بن محمد الجزرى (م. ۶۳۰ق.)، به كوشش القاضى، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۰۷ق؛ مراصد الاطلاع: صفى الدين عبدالؤمن بغدادى (م. ۷۳۹ق.)، بيروت، دار الجيل، ۱۴۱۲ق؛ المعالم الاثيره: محمد محمد حسن شراب، بيروت، دار القلم، ۱۴۱۱ق؛ معجم البلدان: ياقوت الحموى (م. ۶۲۶ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ معجم ما استعجم: عبدالله البكرى (م. ۴۸۷ق.)، به كوشش السقاء، بيروت، عالم الكتب، ۱۴۰۳ق؛ المغازى: الواقدى (م. ۲۰۷ق.)، به كوشش مارسدن جونز، بيروت، اعلمى، ۱۴۰۹ق؛ ميقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمايندگى ولى فقيه در امور حج و

۱. تاريخ مکه، ص ۴۸۲.

خانه‌ای نزدیک مسجد، محلی در بازار مدینه نزدیک مسجد، سنگی بزرگ کنار در مسجد.<sup>۵</sup>

اطلاق اذان سوم (الاذان الثالث یا النداء الثالث) بر این اذان با شمارش اذان صحیح و اذان جمعه یا اذان و اقامه نماز جمعه - از باب تغلیب یا از آن رو که اقامه مانند اذان نوعی اعلان است - و بر پایه این واقعیت بوده که این اذان بعدها پدید آمده است.<sup>۶</sup> به آن اذان دوم نیز گفته‌اند؛ زیرا پس از اذان جمعه خوانده می‌شود.<sup>۷</sup> با توجه به هنگام این اذان، آن را اذان اول نیز نامیده‌اند؛ زیرا نخستین اذان پس از نیمروز و پیش از اذان و اقامه جمعه است.<sup>۸</sup> برخی بر آنند که این اذان، مانند اذان نمازهای دیگر، برای اعلان است، چنان‌که تعبیر «نداء» به همین معنا اشاره دارد؛ و اذان نماز جمعه مخصوص نماز جمعه و برای سکوت نمازگزاران و گوش فرادادن آن‌ها به خطبه‌ها است.<sup>۹</sup>

۵. نک: معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۵۶؛ مرادصدا الاطلاع، ج ۲، ص ۶۷۴؛ فتح الباری، ج ۲، ص ۳۲۷.

۶. المصنف، ج ۱، ص ۲۵۱؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۱۹.

۷. فتح الباری، ج ۲، ص ۳۲۶؛ عمدة القاری، ج ۶، ص ۲۱۱؛ جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۳۰۱.

۸. نک: المغنی، ج ۲، ص ۱۸۸؛ مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۵۵۴؛ حاشیة الدسوقی، ج ۱، ص ۳۸۹.

۹. نک: التمهید، ج ۱۰، ص ۲۴۷؛ فتح الباری، ج ۲، ص ۳۲۷؛ عمدة القاری، ج ۶، ص ۲۱۱.

۱۰. فتح الباری، ج ۲، ص ۳۲۷؛ عون المعبود، ج ۳، ص ۳۰۲-۳۰۳.

زیارت؛ نه‌ایة الارب: احمد بن عبدالوهاب النوبری (م. ۷۳۳ق.)، قاهره، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، ۱۴۱۲ق؛ نه‌ایة: ابن اثیر مبارک بن محمد الجزری (م. ۶۰۶ق.)، به کوشش الزاوی و الطناحی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶م.

منصور رمضان‌خانی



## اذان سوم: اذانی که در سده‌های

نخستین ق. پیش از اذان نماز جمعه گفته می‌شد

از زمان پیامبر اکرم ﷺ تا دوران عثمان بن عفان، پس از جای گرفتن خطیب بر منبر و پیش از آغاز خطبه، اذان نماز جمعه گفته می‌شد. اما در سال هفتم خلافت عثمان<sup>۱</sup> یا سال ۳۰ق. به دستور وی، پیش از آن، اذانی دیگر در زوراء<sup>۲</sup> گفته شد تا مردم پیش از آمدن امام جمعه برای نماز گرد آیند<sup>۳</sup> و سپس این روش تداوم یافت. مقصود از زوراء را جای‌های گوناگون دانسته‌اند: خانه عثمان در مدینه،

۱. انساب الاشراف، ج ۶، ص ۱۵۰.

۲. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۳۲۸؛ الكامل، ج ۳، ص ۱۱۶.

۳. معجم ما استعجم، ج ۲، ص ۷۰۵.

۴. تاریخ المدینه، ج ۳، ص ۹۵۸-۹۵۹؛ انساب الاشراف، ج ۶، ص ۱۵۰؛ الكامل، ج ۳، ص ۱۱۶.